

## هرمزان فرهنگ سیستم‌های الکتراال و نگاهى به آينده

(نظام‌هاى انتخاباتى) \*

کندوکاو و بررسى سیستم‌هاى الکتراال به ویژه از سه نظر شایسته اهمیت است:

۱ - انتخابات سرآغاز فرایند شکل‌گیرى همه نهادها و استقرار یک سیستم دموکراتیک است.

۲ - تغییر یک سیستم الکتراال به سیستم دیگر گاهى سبب تغییر نظام حزبى و در نتیجه آن، نظام سیاسى مى‌شود. این مورد را بعداً توضیح خواهیم داد.

۳ - از تغییر سیستم الکتراال به گونه‌اى که نشان خواهیم داد گاهى به مثابه یک ابزار تعدیل و تعادل استفاده مى‌شود.

گونه‌گونى و پیچیدگى سیستم‌هاى الکتراال به حدى است که حتى در نحوه گروه‌بندى آن‌ها اختلاف نظر وجود دارد و کارشناسان برجسته این رشته مانند داگلاس زی، لیپ هارت، لیک من بوگدانور و... هر کدام به شکلى این کار را انجام داده‌اند.

در نگاه لیک من (۱) سه نوع اصلى عبارتند از: ۱ - سیستم‌هاى اکثریت. ۲ - سیستم‌هاى شبه تناسبى ۳ - سیستم‌هاى تناسبى.

لیک من سیستم‌هاى اکثریت را به اکثریت نسبى و اکثریت مطلق تقسیم مى‌کند و آنگاه هر کدام از این دو خود در انواع فرعى تری گروه‌بندى مى‌شوند. از آن جمله سیستم اکثریت نسبى ممکن است در حوزه‌هاى تک نماینده صورت بگیرد و یا این که هر کدام از حوزه‌هاى انتخابات بیش از یک نماینده را انتخاب کنند. همان گونه که: عنوان اکثریت نسبى بر مى‌آید یک نماینده حتى ممکن است با بیست و پنج و یا بیست و شش یا کمتر در همان یک مرحله انتخاب بشود چون همان رأى بیست درصدى بیش از آراء کاندیداهاى دیگر است و برای انتخاب او کافی است. بسیاری از کارشناسان و پژوهشگران سیستم اکثریت نسبى با حوزه‌هاى تک نماینده را یکی از انواع اصلى به شمار مى‌آورند. این سیستم که پلورالیتی (۲) خوانده مى‌شود بیشتر در کشورهاى انگلوساکسون رواج یا سابقه دارد و کاربرد آن غالباً به ایجاد نظام‌هاى دو حزبى متجر مى‌گردد که بعداً به چگونگى آن اشاره مى‌شود. (۳)

\* توضیح از رد آورد است.

1 - eidLakeman (1974). How Democracies Vote, A study of Electoral systems, London, Faber, appendix 1.

2 - Plurality.

شاید گاهى واژه‌هاى کثرت، تکثر، جمعى بودن را معادل پلورالیتی بتوان به کار برد در این مورد خاص اما هیچ کدام را مناسب نیافتم.

۳ - سیستم اکثریت نسبى در حوزه‌هاى تک نماینده FPTP نیز خوانده مى‌شود که حروف نخست این اصطلاح است. First Past The Post

سیستم اکثریت مطلق (۴) که این را هم غالباً در کنار «پلورالیتی» و سیستم‌های «تناسبی» به عنوان یکی از انواع اصلی سیستم‌های الکتورال ذکر می‌کنند. لیک‌من آن را در ذیل سیستم‌های اکثریت به صورت یکی از اشکال قرعی نشان می‌دهد. در این سیستم اگر کاندیدایی بیش از پنجاه درصد رأی بیاورد، انتخاب می‌شود در غیر این صورت کار به مرحله دوم کشانده می‌شود و دو کاندیدایی که بیش از سایر کاندیدها در مرحله نخست رأی داشته‌اند دور دوم با هم رقابت خواهند کرد. آن چه که امروز در ایران به نام انتخابات صورت می‌گیرد بر پایه همین سیستم است. بدیهی است که اگر تعداد نمایندگان حوزه انتخابیه دو نفر باشد و هیچ کدام در مرحله نخست اکثریت مطلق را به دست نیاورده باشند چهار تن از آن‌هایی که بیشترین آراء را داشته‌اند به دور دوم می‌روند و این تناسب در مورد تعداد بیشتر نیز به کار گرفته می‌شود و همین ترتیب ادامه می‌یابد.

یکی دیگر از اشکال سیستم‌های اکثریت به نظر «لیک‌من» سیستم متناوب یا سیستم آلترناتیو است (۵). «آرند لیپ هارت» مجلس نمایندگان استرالیا را به عنوان نمونه‌ای ذکر می‌کند که سیستم آلترناتیو را به کار می‌برند (۶). در این سیستم از رأی دهندگان خواسته می‌شود که لیست کاندیداهای مورد نظر خود را به ترتیب تقدم و اولویت بنویسند. اگر به این ترتیب کاندیدایی حائز اکثریت مطلق آراء رأی دهندگانی بشود که او را در اولویت و تقدم نخست خود قرار داده‌اند این کاندیدا انتخاب می‌شود. ولی اگر چنین نشود، آنگاه ضعیف‌ترین کاندیدا را از لحاظ داشتن آراء حذف می‌کنند و آراء او را بین دیگر کاندیدها تقسیم می‌کنند. به عنوان مثال اگر چهار کاندیدای C-B-A و D به ترتیب ۴۱، ۲۹، ۱۷، ۱۳ درصد آراء را کسب کرده باشند از آن جا که هیچ کدام حائز اکثریت مطلق آراء نبوده‌اند یعنی بیش از پنجاه درصد از آراء را نداشته‌اند بنابراین کاندیدای D که ضعیف‌ترین است و تنها ۱۳ درصد را داشته است حذف می‌شود. حالا فرض کنیم که اولویت دوم همه رأی دهندگان به کاندیدای D که حذف شده است، کاندیدای C بوده است یعنی این دسته از رأی دهندگان در جای دوم لیست خود نام C را ذکر کرده‌اند. پس حالا باید سیزده درصد آراء را به هفده درصد آرائی که کاندیدای C در مرحله اول شمارش داشته است اضافه کرد و این امر باعث می‌شود که آراء کاندیدای C به ۳۰ درصد برسد و از کاندیدای B که ۲۹ داشته است جلو بیافتد در نتیجه کاندیدای B نیز حذف می‌شود و آراء او بین A و C تقسیم می‌شود که با احتساب قبلی آراء آن‌ها یکی از دو کاندیدای A و C حذف می‌شود و کاندیدایی که بر جای مانده است انتخاب

4 - Absolute majority.

۵ - واژه‌های شق دیگر: چاره ساز - متناوب را *alternatives* به کار می‌برند که در این مورد با توجه به نحوه شمارش آراء شاید مناسب‌ترین معادل و برابر نیاد برای *alternative vote* سیستم متناوب باشد.

6 - Arend Lijphart (1994) *Electoral systems and party systems, a study of twenty seven democracies 1945-1990*, Oxford University Press, p.19.

می‌گردد (۷). از سیستم آلترناتیو همچنین به عنوان انتخاب ارجح نام برده می‌شود (۸). یکی دیگر از شکل‌های فرعی سیستم‌های اکثریت، سیستمی است که قاعده اکثریت نسبی در آن رعایت می‌شود با این تفاوت که به جای یک نفر در سیستم پلورالیستی، در این سیستم که Block Vote نامیده می‌شود دو یا چند نماینده با اکثریت نسبی در همان یک دوره انتخاب می‌شوند. تایلند یک نمونه از کشورهایی است که در آن‌ها این سیستم به کار گرفته شده است. (۹)

پس از سیستم‌های اکثریت، پیش از آن که به سیستم‌های تناسبی بپردازیم باید به سیستم‌های شبه تناسبی (۱۰) اشاره کنیم که در بین دو گروه اصلی پیشین قرار گرفته‌اند. «لیک من» از «سیستم انتخاب محدود» (۱۱) و «سیستم رأی غیر قابل انتقال» (۱۲) به عنوان دو نمونه از سیستم‌های شبه تناسبی نام می‌برد. «بوگدانور» اما هر دوی آن‌ها را یکی می‌داند و تحت عنوان سیستم انتخاب محدود از آن‌ها نام می‌برد. «لیب هارت» یگانگی واقعی این دو سیستم را چنین شرح می‌دهد: در سیستم انتخاب محدود LV و سیستم رأی قابل انتقال SNTV که سلفه آن‌ها را باید در ژاپن جستجو کرد رأی دهندگان مانند سیستم اکثریت نسبی به کاندیدای فردی و نه به احزاب رأی می‌دهند با این تفاوت که هر رأی دهنده به تعدادی کمتر از کرسی‌های تعیین شده برای یک حوزه رأی می‌دهد، به عنوان مثال در انتخابات ۱۹۴۶ در ژاپن در حوزه‌هایی که هر کدام بین چهار تا ده کرسی نمایندگی داشتند هر رأی دهنده محدود بود به این که تنها در ورقه رأی خود نام دو نفر را بنویسد و در سه حوزه‌ای که یازده تا چهارده کرسی داشتند تنها به سه نفر رأی بدهد. سیستم رأی قابل انتقال یا SNTV در واقع حالت ویژه‌ای از سیستم انتخاب محدود است که در آن هر رأی دهنده در ورقه خود تنها نام یک نفر را می‌نویسد در حالی که همان حوزه دارای کرسی‌های متعدد است. (۱۳)

باید یادآوری کرد که اکنون سیستم‌های انتخاب محدود چه در انتخابات پارلمانی ژاپن و چه در کره جنوبی که یک نمونه دیگر است کنار گذاشته شده است و تنها در انتخابات شهرداری‌ها در ژاپن به کار می‌رود.

«لیک من» در فهرست سیستم‌های شبه تناسبی از سیستم دیگری نام می‌برد به نام سیستم

7 - Lijphart Ibid.

۸ - یکی از کسانی که اصطلاح انتخاب ارجح یا گزینش اکثریتی - ترجیحی را برای سیستم alternative به کار می‌برد کارشناس برجسته انتخابات استرالیا V.F.H. wright است. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به مقاله او:

Jack, F.H., Wright, *Australian experience with Majority Preferential and Quota-Preferential systems* in Bernard Grofman and Arend Lijphart (eds.). *Electoral Laws and their political consequences* (New York: Agathon Press, 1986) pp 124-132.

9 - Bogdanor, vernon (1983) introduction in Bogdanor vernon and Butler, David (eds.), *democracy and Elections, Electoral systems and their political consequences*, Cambridge, Cambridge University Press, p. 17.

10 - Semi Proportional Systems.

11 - Limited vote (LV).

12 - Single non-transferable vote (SNTV).

13 - Lijphart p. 40.

متراکم (۱۴) که کاربرد آن امروزه بیشتر در شرکت‌های بازرگانی است تا امور سیاسی و انتخابات پارلمانی. این شیوه رأی‌گیری با سیستم آترناتیو شباهت دارد با این تفاوت که در سیستم آترناتیو اعداد ترتیبی هستند و در بزرگ رأی تقدم و اولویت کاندیدها را نشان می‌دهند و حال آن که در سیستم متراکم اعدادی که روی ورقه رأی نوشته می‌شود اعداد اصلی هستند. تنها نمونه‌ای که برای سیستم متراکم می‌توان ذکر کرد انتخابات مجلس نمایندگان در ایالت ایلونویز آمریکا است که از ۱۸۷۰ تا ۱۹۸۰ معمول بوده است و سپس جایی خود را به سیستم اکثریت ساده یا نسبی داده است. در سیستم انتخاب متراکم، در اختیار هر رأی‌دهنده سه رأی گذاشته می‌شود و او می‌توانست هر سه رأی را به یک کاندید بدهد یا آن که دو رأی را به یک کاندید و رأی سوم را به کاندیدی دیگر بدهد و یا این که سه رأی خود را بین سه کاندید تقسیم کند. (۱۵)

سیستم‌های تناسبی (۱۶) یکی از دو یا سه و حداکثر چهار گروه اصلی سیستم‌های اکثریت به شمار می‌رود و بسیاری اعتقاد دارند که دو گروه عمده و اصلی، سیستم‌های اکثریت و سیستم‌های تناسبی هستند و به فراوانی دیده شده و می‌شود که این دو گروه را در برابر هم قرار می‌دهند و مقایسه می‌کنند. بعداً خواهیم دید که محاسن و امتیازهای هر کدام از این دو محتایب و ایرادهای آن یکی محسوب می‌شود و باینکس.

ایده اصلی سیستم‌های تناسبی بر این اساس قرار گرفته است که کرسی‌های پارلمان به گونه‌ای عادلانه بین احزاب و یا توجه به آرای که به دست آورده‌اند تقسیم گردد یعنی اگر  $V$  درصد آراء و  $S$  درصد کرسی‌ها را نشان بدهد باید بر اساس ایده مزبور به معادله  $S=V$  دست یابیم در عمل اما به ندرت چنین مقصودی حاصل می‌شود هر چند که به کار بستن سیستم‌های تناسبی ما را به این هدف نزدیک می‌کند و به همین دلیل است که بر خلاف سیستم‌های اکثریت که راه را به میزان قابل توجهی بر احزاب کوچک می‌بندد سیستم‌های تناسبی امکان بیشتری برای حضور احزاب کوچک در پارلمان فراهم می‌آورد.

نزدیک به سه دهه پیش، نگارنده این سطور آثاری از جیوواتی سارتوری، جین بلوندی، دوگلاس ری و موریس دوورژه را خوانده بودم در صدد بر آمدن آن چه را که یاد گرفته بودم خود نیز بیازمایم و از لحاظ پژوهشی، آموخته‌ها را دیگر بار عملاً آزمایش کنم. آموخته بودم که اجرای سیستم اکثریت نسبی با حوزه‌های تک نماینده یعنی «پلورالیتی» به استقرار نظام دو حزبی کمک می‌کند و در برابر آن به کار بستن سیستم تناسبی زمینه را برای ایجاد یک نظام چند حزبی فراهم می‌کند. اما چه نظامی دو حزبی محسوب می‌شود؟ بعد از محاسبات متعدد به این نتیجه رسیدم که اگر  $S_a, S_b$  به ترتیب میزان درصد کرسی‌های دو حزب بزرگ‌تر در بین احزاب یک کشور باشد و فرمول زیر بالنسبه می‌تواند معیار درخور پذیرشی برای یک نظام دو حزبی به حساب آید یعنی:  $S_a + S_b > 85$  و  $S_a - S_b < 30$  یعنی درصد مجموع آراء احزاب اول و دوم  $85$  و فاصله آن‌ها کمتر از سی درصد نباشد. اگر بیش از دو حزب در  $85$

۱۴ - Cumulative vote.

درصد کرسی‌ها شرکت داشته باشند که آن نظام چند حزبی محسوب می‌شود و اگر اختلاف بیش از سی درصد باشد در این صورت ما به جای نظام دو حزبی و یا چند حزبی با سیستم حزب مسلط و احزاب کوچکی سر و کار خواهیم داشت که قادر به رقابت با حزب مسلط نیستند. برای شاخص گروه‌گرایی از فرمول  $F=1-\sum pi^2$  «داگلاس ری» کمک گرفتیم (۱۷). در این فرمول Pi نسبت کرسی‌های هر حزب است که توان دوم آن‌ها را حساب کرده و مجموع ارقام حاصله از عدد یک کم می‌شود. شاخص گروه‌گرایی که با F نشان داده می‌شود معیاری است که با آن تعداد احزاب و میزان قدرت آن‌ها را می‌توان مورد ارزیابی قرار داد. در یک سیستم فاقد گروه‌گرایی تنها یک حزب وجود دارد و رقابتی وجود ندارد و به همین دلیل ضریب گروه‌گرایی برای چنین موردی صفر است یعنی  $F=1-(\frac{1}{100})^2=0$  و اگر در سیستمی

تنها دو حزب باشند که به ترتیب ۶۰٪ و ۴۰٪ کرسی‌های پارلمان را به دست آورده باشند ضریب گروه‌گرایی برای آن‌ها چنین محاسبه خواهد شد  $F=1-[(\%60)^2+(\%40)^2]=1-[\%36+\%16]=\%48$  تا ۱۹۷۲ در سیزده کشور صورت گرفت. نتایج به دست آمده به صورت خلاصه و فشرده از قرار زیر است:

۱ - از سیستم‌های اکثرال به طور کلی احزاب قوی‌تر به‌رمنند می‌شوند و اجرای هر دو سیستم به زیان احزاب کوچک است.

۲ - تسببت به‌رمنندی احزاب قوی‌تر در سیستم اکثریت با حوزه‌های تک‌نماینده (پلورالیتی) بیش از میزان به‌رمنندی احزاب قوی در سیستم تناسبی است یعنی یک حزب قوی با به دست آوردن چهل درصد آراء انتخابات در سیستم نخست یعنی پلورالیتی ممکن است شصت درصد کرسی‌های پارلمان را به دست آورد. در حالی که با همین درصد از آراء انتخابات در سیستم تناسبی شاید حتی به چهل و پنج درصد کرسی‌های پارلمان نیز نتواند دست پیدا کند. به همین مقیاس شانس حضور احزاب کوچک در پارلمان با اجرای سیستم «پلورالیتی» بسیار ضعیف‌تر از شانس حضور آن‌ها با اجرای سیستم تناسبی یعنی P.R. است.

۳ - سه کشوری که انتخابات آن‌ها با سیستم «پلورالیتی» صورت گرفته بود همان‌هایی بودند که در عین حال دارای نظام دو حزبی بودند. این سه کشور در آن زمان عبارت بودند از: انگلستان، کانادا و نیوزیلند (۱۸).

۴ - ده کشور دیگر که انتخابات آن‌ها با سیستم تناسبی یا PR صورت گرفته بود همان‌هایی

17 - Douglas Rae (1969) the political consequences of Electoral Laws, New Haven: Yale University Press, p 56.

۱۸ - نیوزیلند از سال ۱۹۹۳ به بعد سیستم انتخاباتی خود را به سیستم STV که یکی از اشکال سیستم‌های تناسبی است تغییر داده است.

بودند که دارای نظام چند حزبی به شمار می‌آمدند. این کشورها عبارت بودند از: بلژیک، لوکزامبورگ، دانمارک، نروژ، سوئد، ایتالیا، هلند، فرانسه (۱۹) و ایسلند. (۲۰)

بنا بر نظر «بوگدانور» سیستم‌های تناسبی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد (۲۱):

سیستم‌های لیستی و سیستم‌های «رای قابل انتقال». (۲۲)

سیستم‌های تناسبی بنا بر شرحی که گذشت فراهم آورنده زمینه برای ایجاد و ماندگاری نظام‌های چند حزبی است.

اگر در یک حوزه انتخاباتی پنج کرسی نمایندگی موضوع رقابت دو لیست انتخاباتی از سوی دو حزب قرار بگیرد و لیست A ۶۰ درصد و لیست B ۴۰ درصد آراء را به دست آورد به جای آن که لیست A که دارای اکثریت است هر ۵ کرسی را به دست آورد و حزب B از داشتن کرسی نمایندگی محروم بماند حزب A دارای ۳ کرسی و حزب B دارای دو کرسی نمایندگی خواهند شد. این یک مثال بسیار ساده برای بیان کردن فلسفه سیستم‌های تناسبی و لیست انتخاباتی احزاب است ولی می‌دانیم که در عمل این وضع ساده کمتر اتفاق می‌افتد مثلاً اگر به جای دو حزب، چند حزب داشته باشیم که به ترتیب  $۴۲/۶ - ۳۴/۳ - ۲۵/۱$  آراء را کسب کنند آشکار است که تعدادی از آراء بی‌نماینده خواهند ماند و اگر چاره‌اندیشی نشود هدر خواهند رفت. پیچیدگی سیستم‌های لیستی نیز از همین جا آغاز می‌گردد. برای روشن شدن تکلیف همه کرسی‌های نمایندگی و کاهش یافتن آراء هدر رفته به حداقل، راه‌ها و فرمول‌های متعددی وجود دارد که به ذکر چند نمونه بسنده می‌کنیم:

۱ - روش «حداکثر باقیمانده»: برای تشریح این روش فرض می‌کنیم چهار حزب یا چهار لیست انتخاباتی با هم رقابت می‌کنند و باز فرض کنیم که شمار آراء ریخته شده ۲۲۵۰۰۰ و تعداد کرسی‌های پارلمانی حوزه انتخاباتی ۶ باشد که در این مورد ابتدا ضریب انتخاباتی را حساب می‌کنیم که از تقسیم تعداد آراء ریخته شده بر تعداد کرسی‌های پارلمانی به دست می‌آید یعنی  $\frac{۲۲۵۰۰۰}{۶} = ۳۷/۵۰۰$  حال اگر توزیع آراء به قرار زیر باشد:

۱۹ - آمارهای انتخاباتی فرانسه مربوط به پیش از ۱۹۵۸ می‌شد. در این سال فرانسه روش تناسبی (PR) را کنار گذاشت و سیستم اکثریت مطلق دو مرحله‌ای را به جای آن نهاد.

۲۰ - هرمان فرهنک، اثرات روش‌های گزینش در ایجاد نظام‌های مختلف حزبی، ماهنامه جهان اندیشه، تهران، آبان ماه ۱۳۵۸.

۲۱ - در این مورد نیز اختلاف نظر وجود دارد. افزون بر «لیک من» که سیستم‌های موازی یا ترکیبی را که آمیزه‌ای از سیستم‌های اکثریت و تناسبی هستند در زمره سیستم‌های اخیر قلمداد می‌کند «فیلور» و «جانسون نیز چنین می‌کنند. نگاه کنید به: J. Taylor and R.J. Johnson (1979) *Geography of Elections*. New York: Holmes and Meier, chapter 2.

۲۲ - مثال‌های مربوط به جدول ۱ و ۲ را از منبع زیر آورده‌ام: ابوالفضل قاضی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۳، صص ۷۴۰-۷۴۲.

لیست A ۸۵۰۰۰

لیست B ۵۰۰۰۰

لیست C ۴۸۰۰۰

لیست D ۴۲۰۰۰

بر اساس روش هاره Hare که در آن تعداد آراء هر لیست بر ضریب انتخاباتی بخش و

$$\text{Harequota} = \frac{V}{S} \text{ بدین صورت نوشته می شود}$$

در این مرحله تعداد نمایندگان هر لیست و باقی مانده هر یک چنین خواهد بود:

لیست‌ها	آراء	تعداد نماینده	باقی مانده آراء
A	۸۵۰۰۰ ----- ۳۷۵۰۰	۲	۱۰/۰۰۰
B	۵۰۰۰۰ ----- ۳۷۵۰۰	۱	۱۲/۵۰۰
C	۴۸۰۰۰ ----- ۳۷۵۰۰	۱	۱۰/۵۰۰
D	۴۲۰۰۰ ----- ۳۷۵۰۰	۱	۴/۵۰۰

جدول ۱

بنا بر جدول فوق ۵ نماینده بین چهار لیست تقسیم شده است و کرسی ششم که باقی مانده است به لیست "B" که حداکثر باقی مانده را دارا است تعلق خواهد گرفت.

۳- روش میانگین مجازی یا فرمول هاگن یاخ - یشوف (۲۳): در این روش به هر کدام از تعداد کرسی‌هایی که به هر لیست تعلق گرفته به گونه مجازی یک کرسی اضافه می‌کنیم یعنی این فرمول را داریم  $q = \frac{V}{S+1}$  که در آن q میانگین مجازی، V تعداد آراء یک حزب در

یک حوزه و S کرسی‌های به دست آمده وسیله همان حزب را نشان می‌دهد که اگر مثال پیشین را با این فرمول مورد سنجش قرار دهیم نتایج زیر را خواهیم داشت:

لیست‌ها احزاب	تعداد آراء	میانگین مجازی
A	$\frac{85000}{2+1}$	۲۸۳۳۳
B	$\frac{50000}{1+1}$	۲۵۰۰۰
C	$\frac{48000}{1+1}$	۲۴۰۰۰
D	$\frac{42000}{1+1}$	۲۱۰۰۰

جدول ۲

مشاهده می‌شود بر خلاف حداکثر باقی مانده که کرسی ششم باقی مانده نصیب لیست B می‌شد در این روش کرسی مزبور در اختیار لیست A قرار می‌گیرد و تعداد کرسی‌های آن را به سه می‌رساند. (۲۴)

۳- روش بالاترین میانگین فرمول دهنوند  $Hondt$  که یکی از رایج‌ترین فرمول‌های انتخاباتی است که آراء به دست آمده وسیله هر کدام از لیست‌ها بر اعداد متوالی ۱، ۲، ۳، ۴... تقسیم می‌شود. و توزیع کرسی‌های نمایندگی بنا بر ارقام به دست آمده صورت می‌گیرد. جدول ۳ از نمونه‌هایی است که به روشنی و گام به گام توزیع کرسی‌ها را در حوزه‌ای که دارای چهار کرسی نمایندگی است نشان می‌دهد: (۲۵)

لیست	تعداد آراء	تقسیم بر عدد ۱	تقسیم بر عدد ۲	تقسیم بر عدد ۳	جمع کرسی‌های نمایندگی
A	۸۲۰۰	کرسی نخست ۸۲۰۰	کرسی سوم ۴۱۰۰	۲۷۳۳	۲
B	۶۱۰۰	کرسی دوم ۶۱۰۰	کرسی چهارم ۳۰۵۰	۲۰۳۳	۲
C	۳۰۰۰	۳۰۰۰	۱۵۰۰	۱۰۰۰	۰
D	۲۷۰۰	۲۷۰۰	۱۳۵۰	۹۰۰	۰
جمع	۲۰/۰۰۰				۴

جدول ۳

## 24 - Hagenbach-Bischoff quotd.

۲۵- مشابه فرمول هاگن باخ - بیشوف فرمول دیگری وجود دارد که از آن به جای عدد یک به هر کدام از کرسی‌های به دست آمده برای هر لیست به طور مجازی عدد ۲ اضافه می‌شود. این روش را «امپریالی» می‌خوانند و فرمول آن بدین صورت نوشته می‌شود:

$$\frac{\text{Votes}}{\text{Imperiali quota}} \quad \text{Seats} + 2$$

همین طور مشابه روش  $Hondt$  نیز روش دیگری وجود دارد به نام سنت - لاگ  $Sainte-Lague$  با این تفاوت که در روش اخیر از اعداد فرد ۱-۳-۵-۷ به عنوان مقسوم علیه استفاده می‌شود.

۷۵

سیستم‌های الکترال و نگاهی به آینده

سال ۲۰۰۶



۴- حد نصاب یا فرمول «دروپ» که به گونه‌ای که بعداً خواهیم دید مورد استفاده آن در سیستم «رأی قابل انتقال» یعنی STV است. فرمول مزبور به این صورت نوشته می‌شود:

$$\text{Droop quota} = \frac{V}{S + 1} + 1$$

که در آن  $V$  تعداد آراء انتخابات در یک حوزه و  $S$  تعداد کرسی‌های نمایندگی در همان حوزه انتخاباتی را نشان می‌دهد.

بیش از سه چهارم کشورهایی که انتخابات خود را با سیستم‌های تناسبی انجام می‌دهند سیستم لیستی را برگزیده‌اند. سیستم لیستی ممکن است به صورت محلی و ناحیه‌ای باشد مانند آن چه که در کشورهای اسکاندیناوی و بسیاری دیگر صورت می‌گیرد و یا این که لیست جنبه ملی داشته باشد یعنی تمام کشور یک حوزه انتخاباتی محسوب شود مانند اسرائیل و هلند. سیستم لیست محلی را سیستم تناسبی ناقص نیز می‌نامند همین طور سیستم لیست ملی، سیستم تناسبی کامل نامیده می‌شود. در مواردی نیز ممکن است احزاب یک کشور هم برای ناحیه و هم در سطح ملی لیست انتخابات داشته باشند مانند جمهوری آفریقای جنوبی. لیست انتخاباتی ممکن است باز یا بسته باشد همین طور شمار کرسی‌های حوزه‌های انتخابی نیز بر دامنه تنوع و رنگارنگی سیستم‌ها می‌افزاید.

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که طیفی از اشکال گونه‌گون سیستم‌های الکتراک به ویژه سیستم‌های تناسبی وجود دارد. به چند نمونه اشاره‌هایی گذرا داشته باشیم.

پارلمان فنلاند از دوپست نماینده تشکیل می‌شود که از پانزده حوزه انتخاب می‌شوند در این جا نیز اما یکسانی وجود ندارد و باید حوزه جزایر سوئدی زبان «آلاند» را مستثنی کرد زیرا این حوزه یک کرسی دارد حال آن که حوزه‌های دیگر دارای چند نماینده هستند. فنلاند مانند بسیاری دیگر برای تعیین صاحبان کرسی‌های نمایندگی از فرمول بالاترین میانگین دِهوند  $d'Hondt$  کمک می‌گیرد که به سود احزاب قوی‌تر است در حالی که مثلاً ایتالیا از میانگین Imperiali بهره می‌جوید که این به سود احزابی است که از نظر نیروی انتخاباتی متوسط محسوب می‌شوند.

هلند نیز از فرمول  $d'Hondt$  بهره می‌گیرد. این کشور ولی انتخابات خود را در سطح ملی انجام می‌دهد یعنی سراسر کشور در حکم یک حوزه انتخاباتی است و در چنین سیستم‌هایی که تناسبی کامل نام دارد عدالت انتخاباتی بیش از هر سیستم دیگری اعم از اکثریت، تناسبی و شکل‌های دیگری مطمح نظر است و مکانیزم اجرای این سیستم بیش از سیستم‌های دیگری درصد آراء هر حزب را به درصد کرسی‌های آن نزدیک و حتی دقیقاً با هم برابر می‌کند و البته به همان نسبت نیز زمینه برای ظهور احزاب متعدد در پارلمان فراهم می‌شود.

در جمهوری آفریقای جنوبی وضع به گونه دیگری است. مجمع ملی آفریقای جنوبی چهار صد عضو دارد از ۱۹۹۴ به بعد، نیمی از این تعداد یعنی دوپست نفر از طریق سه لیست ناحیه‌ای یا استانی برگزیده می‌شوند و دوپست نفر دیگر از طریق یک لیست ملی. یعنی در مورد اخیر سراسر کشور در حکم یک حوزه انتخاباتی است. برای ورود به پارلمان هیچ

محدودیت ورودی یا Threshold به پارلمان در نظر گرفته نشده است. (۲۶)  
 برای پر شدن کرسی‌ها از حد نصاب یا فرمول Droop quota استفاده می‌گردد و  
 برای پیدا کردن کرسی‌های اضافی از روش «بزرگترین باقی مانده» بهره گرفته می‌شود که در  
 صفحه‌های پیشین درباره آن‌ها شرح لازم داده شده است. (۴۷)  
 سیستم رأی قابل انتقال

بر خلاف سیستم‌های لیستی، سیستم رأی قابل انتقال یا STV به جای لیست احزاب  
 کاندیداهای فردی تأکید می‌ورزد. در این سیستم از رأی دهنده‌ها خواسته می‌شود که  
 کاندیداها را به ترتیب تقدم مورد نظر خود روی ورقه رأی بنویسند. هنگام شمارش آراء در  
 مرحله نخست کاندیداها را بر پایه انتخاب نخست رأی دهندگان طبقه بندی می‌کنند. کاندیدا  
 یا کاندیداهایی که به حد نصاب لازم طبق فرمول دروپ یعنی:

$$\text{Droop Quota} = \frac{\text{Votes}}{\text{Seats} + 1} + 1$$

در حوزه انتخابی رسیده باشند خود به خود انتخاب می‌شوند و آراء اضافی آن کاندیدا یا  
 کاندیداها بر پایه انتخاب دوم رأی دهندگان بین کاندیداهای دیگر تقسیم می‌شود و این  
 ترتیب در شمارش‌های بعدی آن قدارادامه می‌یابد تا همه کرسی‌ها پر شود. به عنوان مثال  
 اگر در یک مورد فرضی تعداد آراء رأی دهندگان ۱۰۰۰ و تعداد کرسی‌هایی که باید برای  
 آن‌ها تعیین شود ۳ باشد و رأی دهندگان به ترتیبی که در جدول ۴ آمده است رأی داده  
 باشند. فرایند شمارش آراء و تعیین نمایندگان به صورت زیر خواهد بود:

$$\text{quota} = \frac{1000}{3+1} + 1 = 251$$

شمارش چهارم	شمارش سوم	شمارش دوم	شمارش نخست	احزاب	کاندیداها
-۳۴=۲۵۱	+۱۰۰=۲۸۵	+۱۰=۱۸۵	175	V	A
+۸=۲۴۲	+۳۱=۲۳۴	+۳=۲۰۳	200	W	B
= ۰	-۱۵۱=۰	+۱=۱۵۱	150	X	C
= ۲۵۱	=۲۵۱	-۱۹=۲۵۱	270	Y	D
+۲۶=۲۵۶	+۲۰=۲۳۰	+۵=۲۱۰	205	Z	E
۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	1000		جمع

جدول ۴

26 - Dick Leonard and Richard Natkiel, World Atlas of Elections: voting patterns in 39 democracies, the economist publications, 1986, p. 3.

به گونه‌ای که دیده می‌شود در شمارش نخست تنها کاندیدای D که به حد نصاب  $q=251$  رسیده است انتخاب می‌شود این کاندیدا ۱۹ رأی اضافی دارد که بین کاندیداهای دیگر تقسیم می‌شود. در شمارش دوم هیچ کدام از کاندیداهای دیگر به حد نصاب لازم نمی‌رسند. در بین کاندیداهای A و C کاندیدای C که رأی کمتری دارد حذف می‌شود و آراء او با توجه به اولویتی که رأی دهندگان در ورقه رأی خود قید کرده‌اند بین کاندیداهای دیگر تقسیم می‌شود و در نتیجه تقسیم شدن آراء این کاندیدای حذف شده در آخرین شمارش کاندیداهای A و E نیز به حد نصاب لازم می‌رسند بدین ترتیب سه کاندیدای انتخاب شده A، D و E هستند. (۲٪ شباهت سیستم رأی قابل انتقال STV به سیستم رأی ال‌ترناتیو این است که در هر دو سیستم، رأی یک کاندیدا به دیگری انتقال پیدا می‌کند تفاوت آن‌ها در این است که سیستم رأی ال‌ترناتیو یکی از سیستم‌های اکثریتی است و در حوزه‌های دارای یک نماینده صورت می‌گیرد و کاندیدا برای به دست آوردن کرسی نمایندگی باید به اکثریت مطلق برسد ولی سیستم رأی قابل انتقال یا STV یکی از شکل‌های سیستم‌های تناسبی است و در حوزه‌های بیش از یک نماینده به کار گرفته می‌شود و کاندیدا باید به حد نصاب دروپ که پیش‌تر شرح داده شد دست یابد. سیستم رأی قابل انتقال (STV) در ایرلند شمالی، جمهوری ایرلند، جمهوری مالت، و از سال ۲۰۰۵ در برخی از گزینش‌ها در استرالیا مانند انتخابات مجلس نمایندگان در تاسمانی و انتخابات سنا به کار گرفته می‌شود.

#### برتری‌ها و کاستی‌ها

بررسی مزیت‌ها و کاستی‌های همه سیستم‌های ال‌کترال نیاز به تفصیل زیاد دارد و صفحه‌های فراوانی را در بر می‌گیرد همان گونه که پیش‌تر اشاره شد سیستم‌های اکثریت و سیستم‌های تناسبی دو گروه عمده اصلی هستند و مقایسه این دو شاید تا حدودی ما را از پرداختن به سیستم‌های دیگر که در فاصله این دو قرار دارند و یا از شاخه‌های آن‌ها به شمار می‌روند، بی‌نیاز می‌کند.

سیستم اکثریت نسبی، حوزه‌های تک نماینده یا پلورالیتی Plurality شاخص‌ترین نمونه سیستم‌های اکثریت است. مهم‌ترین و برجسته‌ترین مزیت این سیستم فراهم کردن زمینه برای دولت‌هایی است که تنها متکی به حزب خود هستند و برای تشکیل کابینه نیازی به ائتلاف و چانه زنی‌هایی که گاهی نیز فرسایشی می‌شود با احزاب دیگر ندارند. از سوی دیگر زمینه برای یک اپوزیسیون قوی پارلمانی نیز فراهم می‌شود زیرا احزاب کوچک غالباً به پارلمان راه پیدا نمی‌کنند و کرسی‌های بیشتری در اختیار دو یا سه حزب قوی‌تر قرار می‌گیرد. سیستم پلورالیتی راه را بر احزاب افراطی و تشنج آفرین به پارلمان می‌بندد و صحنه پارلمان را برای مباحثات پالنتسبه متعادل بین نمایندگان دولت و یک اپوزیسیون مستحجم آماده می‌سازد. نمایندگانی که با این سیستم برگزیده می‌شوند بیش از آن چه محدود و محصور در پلاتفورم‌ها و خواست‌های حزبی باشند، نماینده حوزه انتخابیه خود هستند نماینده‌ای که بدین

۲۷- در آفریقای جنوبی پیش از ۱۹۹۴ این محدودیت ورودی به پارلمان یعنی threshold به میزان ۵ درصد برقرار بود. یعنی لیست هر کدام از احزاب که کمتر از ۵ درصد رأی به دست می‌آورد کرسی پارلمانی به آن تعلق نمی‌گرفت.

ترتیب انتخاب می‌شود ناگزیر است به وعده‌هایی که شخص او در خلال مبارزات انتخابی داده است عمل کند تا بتواند زمینه انتخاب خود را فراهم کند. جدا از این که این سیستم در کشورهای پیشرفته‌ای مثل ایالات متحده آمریکا، انگلستان و کانادا به کار گرفته می‌شود این عقیده قویاً وجود دارد که این سیستم مناسب حال و هوای کشورهای در حال توسعه است و با شرایط جوامع روستایی و کشاورزی که احزاب هنوز جا نیافتاده‌اند و خط مشی‌های خود را پیدا نکرده‌اند انطباق بیشتری دارد. مزیت اصلی سیستم پلورالیتی اما در این است که نوعی ثبات سیاسی به دور از بحران ناشی از تغییر پی در پی کابینه‌های ائتلافی مهیا می‌سازد.

در برابر چنین مزیت‌هایی، کاستی اصلی سیستم اکثریت نسبی با حوزه‌های تک نماینده فقدان عدالت و تمسک به انتخاباتی است زیرا به همان مقیاس که احزاب بزرگ‌تر از نتیجه انتخابات بهره‌مند می‌شوند و کرسی‌های بیشتری به نسبت درصد آراء به دست می‌آورند، احزاب کوچک‌تر قربانیان اجرای این سیستم هستند. در انتخابات عمومی ۱۹۸۳ بریتانیا اتحاد حزبی لیبرال - سوسیال دموکرات (۲۰٪) با وجود این که بیست و پنج درصد آراء را به دست آورد تنها به سه درصد کرسی‌های نمایندگی دست یافت و یا در نیوزیلند در انتخابات ۱۹۸۱ پیش از آن که این کشور سیستم انتخابات خود را تغییر دهد، حزب اعتبار اجتماعی (۲۶٪) بیست و یک درصد آراء را به دست آورد در برابر اما این حزب تنها به دو درصد کرسی‌های نمایندگی دست یافت. در انتخابات ۱۹۸۹ در کشور آفریقایی بوتسوانا، جبهه ملی بوتسوانا (۳۱٪) بیست و هفت درصد آراء را کسب می‌کند ولی تنها سه درصد کرسی‌های نمایندگی را صاحب می‌شود.

شواهد متعددی نشان داده است که تحت سیستم اکثریت نسبی با حوزه‌های تک نماینده شانس زنان برای کاندیدا شدن بسیار اندک است و خیلی کم اتفاق می‌افتد که در این سیستم زنان را کاندیدا و انتخاب کنند و تنها کاندیدای احزاب غالباً مرد است همین طور اقلیت‌های نژادی مذهبی یا قومی هر قدر پراکنده‌تر باشند شانس کمتری برای به دست آوردن کرسی‌های نمایندگی دارند مگر این که در ناحیه‌ای خاص متمرکز باشند که بتوانند کرسی همان ناحیه را به دست آورند. همین طور باید انتظار داشت که میزان آراء خارج شده بسیار بالا باشد زیرا پس از آن که کاندیدای هر حزب با اکثریت ضعیفی به کرسی نمایندگی دست یافت بقیه آراء را می‌توان «هدر رفته» به حساب آورد.

کاستی‌ها و مزیت‌های سیستم تناسبی

پیش‌تر گفتیم که سیستم‌های تناسبی و سیستم‌های اکثریت و به ویژه پلورالیتی درست در نقطه مقابل یکدیگر قرار دارند. زمانی که برتری‌ها و محاسن سیستم اکثریت را بیان کنیم

۲۸ - این مثال را از منبع زیر گرفته‌ام:

New Zealand, Electoral Referndum, the Guide to the Electoral Referendum, Wellington, 1992, p. 9.

29 - The Liberal-Social Democratic Party Alliance.

30 - The Social Credit party.

31 - The Botswana National Front.

درست مانند آن است که از کاستی‌ها و نقایص سیستم‌های تناسبی سخن گفته‌ایم و اگر از مزایای سیستم تناسبی سخن به میان آوریم فی‌الواقع از کاستی‌های سیستم اکثریت شکوه کرده‌ایم. سیستم تناسبی را برخی زبان ترجمه آراء انتخاباتی به کرسی‌های پارلمانی می‌نامند بدین معنی که زمانی که می‌شنویم یکی از احزاب سی و پنج درصد آراء را کسب کرده است باید انتظار داشته باشیم که همان حزب دست کم سی درصد کرسی‌های پارلمان را هم از آن خود کند. در سیستم‌های تناسبی به طور نسبی کرسی‌ها تقریباً متناسب توزیع می‌شود و آراء به مراتب کمتر از سیستم‌های اکثریت هدر می‌رود عدالت و انصاف انتخاباتی به خوبی احساس می‌شود و احزاب کوچک در پارلمان ظاهر خواهند شد مگر این که حد نصاب ورودی خاص را تعیین کرده باشند مثلاً در آلمان حد نصاب ورودی به بوندستاگ ۵ درصد یا سه حوزه است یعنی اگر لیست یکی از احزاب نتواند پنج درصد آراء را به دست آورد و یا این که در سه حوزه نتواند پذیرفته شود، آن حزب راهی به پارلمان نخواهد داشت (۳۲). زنان نیز برعکس آن چه که در سیستم‌های اکثریت مشاهده کردیم در سیستم‌های تناسبی شانس بیشتری در پارلمان دارند. در برابر این مزیت‌ها باید حضور احزاب اقلیتی را در پارلمان انتظار کشید و مهم‌تر از آن کابینه‌های ائتلافی که گاهی نیز با بی‌ثباتی سیاسی همراه است.

سیستم‌های پیوندی یا ترکیبی (۳۳)

مزیت‌ها و کاستی‌های این دو سیستم کاملاً متفاوت (۳۴) که شرح آن‌ها داده شد برخی از کشورها را بر آن داشت که تلفیق و ترکیبی از هر دو سیستم به وجود آورند تا بتوانند یک انتخابات متعادل که از مزایای هر دو سیستم برخوردار باشد و معایب آن‌ها را کمتر داشته باشد انجام دهند. پیشاهنگ این کشورها آلمان است که ضمناً می‌تواند مثال مناسبی برای کشورهایی باشد که سیستم انتخاباتی آن‌ها پیوندی یا MMP است، آلمان فرانس و فدرالهای زیادی را در تاریخ خود داشته است و به همان مقیاس رنگارنگی زیادی را در کنار انتخابات تجربه کرده است پس از تجربه سیستم اکثریت مطلق دو مرحله‌ای در امپراتوری آلمان و تجربه سیستم تناسبی در جمهوری وایمار پس از جنگ جهانی اول، از سال ۱۹۴۹ به بعد دولت فدرال آلمان غربی سیستم دیگری را که ترکیبی از دو سیستم اکثریت و تناسبی بود به

32 - Karl W. Deutch & D. Front Smith "The Federal Republic of Germany" in Modern Political Systems, Europe, South Edition, Roy C. Macridis (Editor), Prentice-Hall International, Inc. Englewood, Cliffs, New Jersey, 1987 p. 194.

33 - Mixed member proportional.

۳۴ - در میان انبوه صاحب نظرانی که دو سیستم اکثریت و تناسبی را در برابر هم قرار می‌دهند استثناً هم دیده می‌شود؛ به عنوان نمونه تاگی پرا و گروفمن در کنار تمام مباحثات دیگر از این زاویه به سیستم‌های مزبور نگاه می‌کنند که سیستم پلورالیتی یعنی اکثریت نسبی با حوزه‌های تک نماینده می‌تواند حالت ویژه‌ای از سیستم تناسبی باشد که در آن  $M$  یعنی تعداد کرسی‌های نمایندگی مساوی با یک است یعنی  $M=1$  در این مورد نگاه کنید به:

Rein Taagepera and Bernard Grofman (1985), Rethinking Duverger's Law; Predicting the effective number of parties in plurality and RP systems parties minus issues equals one; European Journal of political research 13, p. 344.

کار بست. این سیستم بعد از فرو ریختن دیوار برلین و متحد شدن دو آلمان شرقی و غربی ادامه یافت. در حال حاضر پارلمان آلمان یعنی بوندستاگ Bundestag دارای ۶۵۶ کرسی است که در آخرین انتخابات در سال ۲۰۰۵ حزب دموکرات مسیحی ۲۰۶ و حزب سوسیال دمکرات ۲۰۲ کرسی آن را به دست آوردند. در سیستم ترکیبی MMP هر رأی دهنده دو رأی دارد در رأی نخست او به یک شخص کاندیدا رأی می‌دهد یعنی همان کاری که در سیستم اکثریت نسبی تک نماینده یا Plurality انجام می‌دهد. بدین طریق ۳۲۸ تن یعنی نیمی از صاحبان کرسی‌های نمایندگی انتخاب می‌شوند. رأی دوم اختصاص به لیست احزاب دارد که روی سیستم تناسبی یعنی PR صورت می‌گیرد و از این راه نیز ۳۲۸ تن دیگر انتخاب می‌شوند.

#### تغییر سیستم اکثرال

تغییر یک سیستم به سیستم دیگر اکثرال گاهی می‌تواند ابزاری برای برون رفت از یک بن‌بست و یا بحران سیاسی باشد. این تغییر زمانی نیز می‌تواند وسیله‌ای برای تعدیل و تعادل و ایجاد موازنه سیاسی باشد و به قصد هر چه دموکراتیک کردن فرایند گزینش صورت بگیرد و سرانجام گاهی نیز ممکن است راه میانه و پلی باشد که بین این مقاصد ارتباطی ایجاد کند. عکس همه این‌ها نیز ممکن است با یک اقدام نامناسب رخ دهد.

جمهوری چهارم فرانسه پس از استقرار در ۱۹۴۶ پیاپی با تغییر کابینه‌ها رو به رو بود با استقرار جمهوری پنجم و روی کار آمدن شارل دوگل سیستم انتخابی این کشور از تناسبی PR به سیستم اکثریت مطلق دو مرحله‌ای تغییر یافت و همراه با این تغییر بحران ناشی از تغییر پی در پی کابینه‌ها که با نوعی بی‌اعتمادی عمومی توأم بود پایان پذیرفت. این تحول در مقطع زمانی خاص خود لیختن رضایت را برای فرانسویان به همراه داشت اما از زاویه دیگری مورد انتقاد قرار گرفت؛ «آندره بلیز» در این باره یادآوری می‌کند که در سال ۱۹۶۸ گلیست‌ها تنها با برخورداری از سی و شش درصد آراء فرانسویان توانستند شصت درصد کرسی‌ها و در نتیجه آن کنترل پارلمان فرانسه را به دست بگیرند (۳۵). جالب است که تقریباً همین نتیجه در انتخابات سال ۱۹۹۳ تکرار می‌شود یعنی احزابی که در راست قرار داشتند با برخورداری از ۳۹ درصد آراء عمومی هشتاد درصد کرسی‌های پارلمان را در اختیار گرفتند و جبهه ملی فرانسه که از سوی ۱۲ درصد فرانسویان پشتیبانی می‌شد حتی به یک کرسی دست نیافت. در واقع همه این تفاوت‌های فاحش در سایه سیستم انتخاباتی اکثریت دو مرحله‌ای اتفاق افتاده بود. به زبان دیگر فرانسویان ثبات کابینه‌ای را با روشی انتخاباتی که نتایج منصفانه را به همراه نداشت با هم عوض کرده بودند.

دهه ۱۹۹۰ دهه تغییر سیستم‌های اکثرال در برخی کشورها بود و از آن جمله سه کشور توسعه یافته ژاپن، ایتالیا و نیوزیلند. ژاپنی‌ها پیش از پایان پذیرفتن سال ۱۹۹۳ تصمیم گرفته

35 - Andre'Blais and Elizabeth Gidengil, making representative democracy work; the views of Canadians, vol. 17 of the studies, Royal Commission on electoral reform and party financing, Toronto, 1991, p. 247.

بودند که سیستم‌های شبه تناسبی رأی محسوب می‌شد و رأی غیر قابل انتقال را در نظر می‌گرفتند و به سوی نوعی سیستم ترکیبی روی آوردند. ایتالیایی‌ها و نیوزیلندی‌ها از دو نقطه مخالف حرکت کردند و سر دو به یک سفته رسیدند. ایتالیایی‌ها از زمان پایان یافتن جنگ دوم جهانی تا اواسط دهه ۱۹۹۰ پنجاه و یک بار شاهد تغییر کابینه‌های کشور خویش بودند و از این بابت به ستوه آمده بودند. آن‌ها سیستم ترکیبی را جایگزین سیستم تناسبی نمودند. نیوزیلندی‌ها از سیستم اکثریت نسبی، با حوزه‌ها، تک نماینده یعنی Plurality حرکت کردند و همان‌طور که در فرآیند سرانجام سیستم ترکیبی را انتخاب نمودند. نیوزیلندی‌ها افزون بر عادلانه نبودن سیستم ایتالیایی پیشگامی نیز رو به رو بودند زیرا بوسنیان «م - اوری» (یاوی) بیش از همه حق خود را پایمال شده می‌دیدند. به روشنی می‌توان دریافت که در گزینش یک سیستم اکثریت یک مجموعه از شرایط معیارها و پارامترها را می‌باید در نظر گرفت: شرایط یک کشور پیشامدرن توسعه نیافته و یا در حال توسعه با شرایط یک کشور صنعتی توسعه یافته فرق دارد. ترکیب اجتماعی جمعیت در همه جامعه‌ها یک گونه نیست آیا کشور مورد نظر یک قومی است یا چند قومی؟ آیا احزاب سیاسی مجال کافی برای رشد و باروری دارند یا نه؟ و سرانجام این که سرگذشت و نوسانات تاریخی مشترک و آرزوها و آرمان‌های مشترک سر کشور را رنگین کنی کمی از واسطه‌های جغرافیایی این سیاره حتی را فراروی ما قرار می‌دهد.

کدام سیستم‌ها برای ایران مناسب‌تر است؟

بالا و پایین رفتن از نردبان تحلیل، سیستم‌های اکثریت را از آهنگ است که از تحاب و یافته‌های دیگران بهره ببریم. بدیهی است که گزینش سیستم یا سیستم‌های مناسب برای ایران از تلاق و تعامل آراء و اندیشه‌ها به دست می‌آید. شخصاً این بارزم کشور سرته نخست حکومت ایران باید دارای یک نظام دو مجلسی باشد شامل:

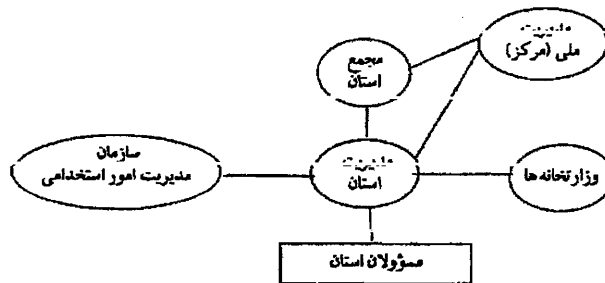
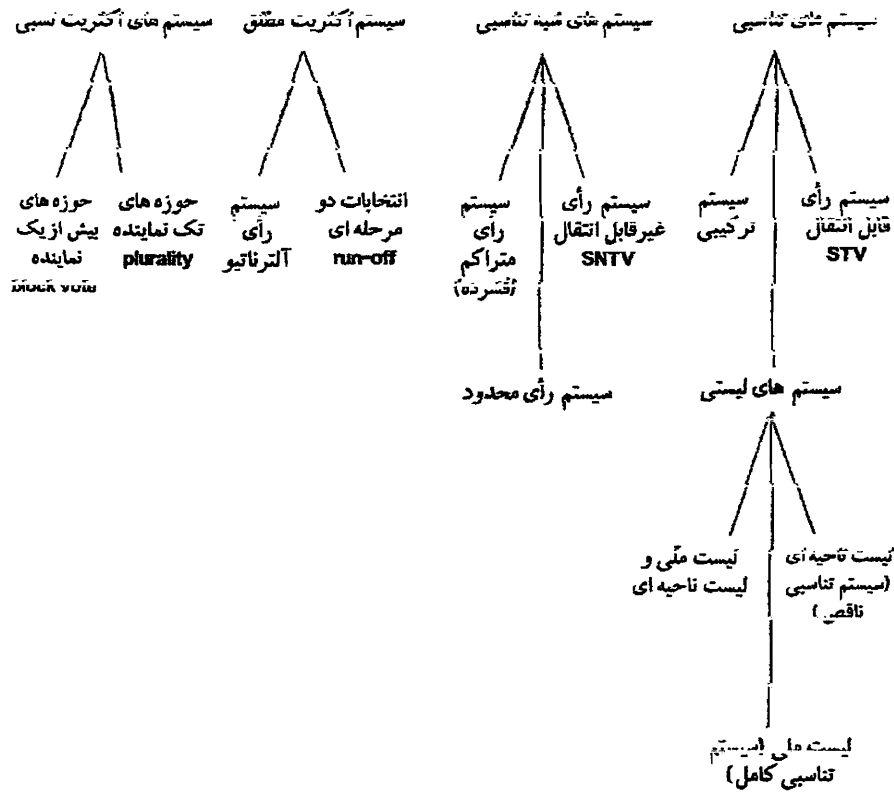
۱- مجلس شورای ملی که انتخابات آن مانند انتخابات مجالس مشابه در کشورهای دیگر بر پایه جمعیت صورت می‌گیرد و اگر با توجه به سرشماری کنونی، تعداد نمایندگان ۳۶۰ باشد با توجه به همه جهات و جوانب و بافت و ترکیب اجتماعی جمعیت، فرمول زیر را در آغاز راه برای انتخاب نمایندگان این مجلس در دست قرار می‌داند:

۱ - ۲۴۰ تن از نمایندگان از راه سیستم اکثریت ساده با حوزه‌های انتخابی تک نماینده.  
 ۲ - ۱۲۰ تن دیگر از راه سیستم تناسبی زلیست از حزب (لیست سنی) (۱) - تخصیص متی (۲۷) که در آن همه کشور به صورت یک حوزه انتخابی است. ترکیب این دو سیستم که در عین حال همدیگر را تعدیل می‌کنند راه را برای رشد و باروری احزاب هموار می‌سازد. ضمن آن که ترکیب یاد شده این امکان را فراهم می‌کند که برخی از جمعیت‌ها و از جمله فرقه‌های مذهبی که نماینده نداشته‌اند و پراکنده هستند در قالب تشکل سیاسی نماینده داشته باشند.

36 - National list.

37 - National allocation.

گروه بندی سیستم های الکترا ل (برداشتی از چند نظریه)





ب - مجلس شورای استان‌ها که با در نظر داشتن دو اصل تشکیل می‌شود. ۱ - حفظ تمامیت ارضی کشور ۲ - واگذاری کارهای مردم هر استان به دست خودشان در کنار مشارکت ملی آنها. مجلس شورای استان‌ها دارای ۹۰ نماینده از استان‌های کشور که به تعداد مساوی ۳ نماینده از هر استان بر پایه تقسیمات کشوری کنونی و دور از هر گونه مرزبندیهای قومی و مذهبی وسیله مجمع‌های محلی برگزیده می‌شوند. انتخابات مجمع‌های محلی (استانی) به نوبه خود از راه سیستم اکثریت مطلق یک و در صورت لزوم دو مرحله‌ای (Run off) صورت می‌گیرد. (۳۸)

۳۸ - این قسمت را از طرحی که خود تدوین کرده‌ام گرفته‌ام: «طرح فرایند گزینش و همگرایی سرزمینی». این طرح بر پایه تلفیق و پیوند زدن چهار روش شکل از مدیریت‌ها و بر روی دو محور قرار گرفته است؛ محور مدیریت ملی - مدیریت استانی و محور مدیریت انتخابی - مدیریت تخصصی. «مدیریت ملی»، مدیریت استانی را از میان برگزیده‌های مجمع استان برمی‌گزیند و منصوب می‌کند. آنگاه مدیریت استانی با همکاری وزارتخانه‌ها و سازمان مدیریت و امور استخدامی؛ همکاران و مسؤولان ادارات کل استان را از میان کادرهای دوره دیده و متخصصین یا تقدّم و اولویت محلی بودن برمی‌گزیند. بدین ترتیب مدیران و مسؤولان استان‌ها هم منتخب مجمع خود محسوب می‌شوند و هم منصوب از سوی مرکز. همین طور هم اهل محل به شمار می‌روند و هم در کار خود دارای تخصص هستند. نمودار این فرایند به‌طور تشریحی در این چکیده را مشاهده کنید.